



سیری در معارف اسلام

عشق پروردگار به بندگان

متن سخنرانی های

استاد حسین انصاریان

تهران - حسینیه هدايت - دهه سوم محرم - ۱۳۹۷ ه.ش



www.erfan.ir

عشق پروردگار به بندگان

(سیری در معارف اسلامی)

- مؤلف: استاد حسین انصاریان.....
- پیاده‌سازی سخنرانی‌ها:.....
- ویرایش:.....
- صفحه‌آرا:.....
- ناظر فنی:.....
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: دارالعرفان.....

کلیه حقوق محفوظ و در انحصار ناشر است.

مرکز نشر دارالعرفان: قم - خیابان شهیدفاطمی (دور شهر) - کوچه ۱۹ - پلاک ۲۷

تلفن تماس: ۰۲۵۳۷۷۴۰۴۲۷ همراهِ: ۰۹۱۹۶۵۲۲۰۲۴

فهرست مطالب

جلسه اول: محرومان از عشق پروردگار.....	۱۵
اثرِ عشق پروردگار به بندگان.....	۱۷
شعلهٔ محبت عبد به خداوند.....	۱۷
سیاسگزاری در طبیعت انسان.....	۱۷
غیرقابل قیاس بودن محبت مادر به فرزند با محبت فرزند به مادر.....	۱۸
بی‌نهایت بودن محبت خدا به بندگان.....	۱۸
اهمیت انتخاب راه در جذب محبت پروردگار.....	۱۸
محبت به امام حسین <small>علیه السلام</small> ، راهی مطمئن در جذب محبت خدا.....	۱۸
پاداش بی‌نهایت برای تمام خوبی‌های محدود انسان.....	۱۹
دوری از منفوران درگاه الهی، شرط ورود به حوزهٔ محبت خداوند.....	۱۹
الف) نفرت خداوند از کبر.....	۲۰
محرومیت از فیوضات الهی، پیامد کبر در برابر خداوند.....	۲۰
نابودی و هلاکت، سرانجام ایستادگی در برابر فرامین الهی.....	۲۰
حقیقت معنایی کبر.....	۲۱
فروتنی و خاکساری، نشانهٔ بندگی.....	۲۲
خروج از حوزهٔ محبت خداوند، یعنی محرومیت از فیوضات الهی.....	۲۲
محبت ویژهٔ خداوند بر شیعه در روز قیامت.....	۲۲
ب) نفرت خداوند از دل پرکینه نسبت به دوستان او.....	۲۳

عشق پروردگار به بندگان



- زینب علیها السلام، همراه همیشگی برادر..... ۲۳
- جلسه دوم: الهام هشت خصلت به بندگان محبوب..... ۲۷**
- بهترین فرارها، فرار به سوی خدا..... ۲۹
- مصالح ساختمان انسانیت..... ۲۹
- چه خوش بی مهربونی هر دو سر بی..... ۳۰
- اقتدای به رسول صلی الله علیه و آله، اثبات راستی ادعای ایمان..... ۳۱
- شمار اندک اقتداکنندگان در زمان رسول صلی الله علیه و آله..... ۳۱
- اتمام حجت خداوند با امت پیامبر صلی الله علیه و آله..... ۳۱
- سلام خدا و فرشتگان بر بندگان محبوبش..... ۳۲
- سلام خدا، یعنی حصارى امن از همه شرور..... ۳۲
- خنده تمسخر اصحاب سیدالشهداء علیهم السلام به پیشنهادهای دشمن..... ۳۳
- الهام هشت خصلت از جانب خدا به بندگان محبوبش..... ۳۳
- حقیقت معنایی الهام..... ۳۴
- الهام آرامش بخش..... ۳۵
- هشت خصلت الهام شده..... ۳۵
- الف) چشم پوشی از محارم الله..... ۳۵
- سفارش امام صادق علیه السلام به شیعه..... ۳۶
- مؤمنین راسخ چون کوه در برابر حرام..... ۳۶
- ب) خوف از پروردگار..... ۳۷
- ج) حیای از خداوند..... ۳۷
- د) تخلق به اخلاق صالحین..... ۳۷
- ه) الصبر؛..... ۳۷
- و) «اداء الامانه»؛..... ۳۷
- ز) «صدق»؛..... ۳۷
- ح) سخاء..... ۳۷
- گدایان درگاه الهی..... ۳۸



فهرست مطالب



- ۳۸ یا اهل العالم! هذا قبر حسين بن علي عليه السلام.....
- ۳۹ **جلسه سوم: خوشا آن دل که مأوای تو باشد**.....
- ۴۱ چشم دل، ابزار دیدن حقایق.....
- ۴۱ چشم دل، مختص مؤمنین.....
- ۴۱ راهی برای باور حقانیت قرآن.....
- ۴۲ اعتماد به قرآن، گشاینده چشم دل.....
- ۴۳ باور حقیقتی ملکوتی در دربار فرعون.....
- ۴۳ خداوند، منتهای آرزوی عارفین.....
- ۴۴ ویژگی‌های عارف حقیقی.....
- ۴۴ الف) سکوت در زبان.....
- ۴۴ ب) ذکر در دل.....
- ۴۵ ج) اهل خودیت نیست.....
- ۴۵ د) نگاه با باطن خود به دیگران.....
- ۴۵ پرده‌پوشی، از اخلاق خدایی.....
- ۴۵ بنده خطاکار بنی اسرائیل و پرده‌پوشی خداوند.....
- ۴۶ درخواست برادران یوسف علیه السلام از خداوند.....
- ۴۷ خدای خوب ما.....
- ۴۷ دیدن خوبی‌ها با نور خدا.....
- ۴۸ تجلی زیبایی‌ها با گشایش چشم دل.....
- ۴۸ مؤمنین دربار فرعون.....
- ۴۸ حرکت بندگان محبوب خدا به سوی زیبایی‌ها.....
- ۴۸ چشم‌پوشی از محارم خدا، مادر همه خوبی‌ها.....
- ۴۹ مَنْ الذی أیتمنی علی صِغر سنی.....
- ۵۱ **جلسه چهارم: عبور از دام‌های شیطان، راهی برای محبوب خدا شدن**.....
- ۵۳ شناخت موانع محبت خدا به عبد.....



عشق پروردگار به بندگان



- جلوهٔ محبت الهی به شرط پاک‌سازی دل از نفرت خداوند..... ۵۳
- بابی از ابواب بهشت..... ۵۳
- خلوتی در عالم هستی وجود ندارد..... ۵۴
- تخلقی به اخلاق صالحین..... ۵۴
- رهایی از کم‌بینی با گشوده شدن چشم دل..... ۵۴
- چشم سر، چشمی مادی‌نگر..... ۵۴
- عبرت‌گیری انسان در همراهی چشم دل..... ۵۵
- ارائهٔ ملکوت آسمان و زمین به ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام..... ۵۵
- خداوند، یاریگر بندگان محبوبش در عبور از دام‌ها..... ۵۶
- انتخاب منبع شر در زندگی، عامل خسرانی آشکار..... ۵۶
- از دست‌دادن سرمایه‌های وجودی در پذیرفتن سرپرستی شیطان..... ۵۶
- سرانجام انتخاب‌کنندگان سرپرستی شیطان در قیامت..... ۵۷
- عبور از دام‌های شیطان، راهی برای محبوب خدا شدن..... ۵۷
- فوز عظیم در اطاعت از خدا و رسولش..... ۵۹
- حکایتی شنیدنی از بندهٔ محبوب خدا..... ۵۹
- ای وارث سریر امامت ز جای خیز..... ۶۲
- جلسه پنجم: کلیدهای شگفت‌آور، اما مشکل‌گشا..... ۶۳**
- حقیقت معنایی دعا..... ۶۵
- گر گدا کاهل بود، تقصیر صاحب‌خانه چیست؟..... ۶۵
- دعاهای انبیا در قرآن کریم و اجابت آن از سوی پروردگار..... ۶۵
- رفع موانع در راه دعا، شرط اجابت آن..... ۶۶
- موانع اجابت دعا..... ۶۶
- کتاب اول شناخت خدا، کتاب آفرینش..... ۶۶
- اندیشهٔ در خلقت، آسان‌ترین راه شناخت..... ۶۶
- هر یک از اسمای الهی، خورشیدی تابناک بر درون انسان..... ۶۷



فهرست مطالب



۶۷	معارف و حقایق الهیه، غذای عقل و روح.....
۶۸	هو الأول و الآخر.....
۶۸	همه هستند سرگردان چو پرگار.....
۶۹	کتاب دوم شناخت خدا، کتاب وجود خود انسان.....
۶۹	های وهوی وجود خداوند در هر نفس انسان.....
۶۹	خدا را در خودت ببین!.....
۷۰	مهار حیات بشر در دستان خداوند.....
۷۱	کلیدهای شگفت آور، اما مشکل گشا.....
۷۱	یاد خداوند در هر زمان.....
۷۱	هزینه کردن در مسیر زیارت کربلا.....
۷۲	دستور خداوند به امامان معصوم در زیارت کربلا و هزینه در این راه.....
۷۳	ضمانت قرآنی حل مشکل در اقتدای به رسول خدا ﷺ.....
۷۳	سعادت دنیا و آخرت در زیارت ابی عبدالله ﷺ.....
۷۳	همه کلیدهای مشکل گشا در قرآن مجید است.....
۷۳	بهترین رفقای انسان در دنیا و آخرت.....
۷۴	بدن حجت خدا بر روی زمین کربلا.....
۷۵	جلسه ششم: عوامل نفرت خداوند از بنده.....
۷۷	گذری بر بحث پیشین.....
۷۷	اهمیت سند معتبر در نقل روایت.....
۷۸	روایات اهل بیت ﷺ، داروی بشر تا روز قیامت.....
۷۹	ریشه کفر در کلام رسول خدا ﷺ.....
۷۹	کفر در لغت.....
۷۹	عامل محرومیت انسان از رحمت الهی.....
۷۹	موضع گیری پروردگار نسبت به ریشه های کفر.....
۷۹	الف) کبر در برابر خداوند.....



عشق پروردگار به بندگان



- ۸۰ کبر شیطان در برابر خداوند، عامل رجم و لعنت الهی
- ۸۰ کفر شیطان در مسئله کبر
- ۸۱ خداوند، تنها مالک و صاحب اختیار عالم هستی
- ۸۱ خورشید محبت خداوند با وجود کبر در انسان طلوع نخواهد کرد
- ۸۲ احکام خداوند، احکام بندگی و عبادت
- ۸۲ نهایت تواضع در برابر خداوند
- ۸۳ خداوند به دنبال کمیّت نیست
- ۸۳ (ب) حرص و طمع انسان
- ۸۴ (ج) حسد
- ۸۴ اثر تابش انوار الهیه بر بندگان محبوب و پاک خداوند
- ۸۶ کنم گریه تا دل جای تو باشد
- ۸۷ **جلسه هفتم: دوری از محرّمات، خصلت بندگان محبوب خدا**
- ۸۹ چشم پوشی از حرام الهی، از خصایل بندگان محبوب خدا
- ۸۹ دو نکته مهم درباره حرامها
- ۸۹ نکته قرآنی؛ تبدیل حرام به آتش از همان لحظه ارتکاب
- ۹۰ نکته روایی؛ ظهور حرامها به صورت تاریکی محض در قیامت
- ۹۱ اولویت نخست محرّمات در رده بندی مسائل الهی
- ۹۱ امر به تقوا در روایات اهل بیت علیهم السلام
- ۹۱ دفع محرّمات اعتقادی پیش از توحید در کلمه «لا إله إلا الله»
- ۹۱ سلامت عبادات در گرو عملی شدن «لا إله»
- ۹۲ راه دفع سختی و سنگینی سرازیری قبر بر انسان
- ۹۳ لحظه احتضار، آخرین لحظه خوشی یا آخرین لحظه رنج
- ۹۳ عباد خدا، آگاه به وظایف خود
- ۹۶ کلام آخر
- ۹۶ «واحفظنی برحمتک» از فتنه های زمان



فهرست مطالب

- زاده لیلا مرا محزون نکن ۹۷
- جلسه هشتم: اهل بیت (علیهم السلام)، ریشه همه خیرها ۹۹**
- الهام هشت خصلت به بندگان محبوب ۱۰۱
- عامل سعادت یا شقاوت انسان در دنیا و آخرت ۱۰۱
- اهل بیت (علیهم السلام)، مجسمه طهارت و ریشه همه خوبی ها ۱۰۲
- تعبیر قرآن از ریشه ۱۰۲
- کار ریشه، رویاندن خیر و نیکی در عالم ۱۰۳
- توحید، بخشی از نیکی ها ۱۰۳
- حقیقت معنایی توحید ۱۰۳
- هزینه های سخت اهل توحید در راه توحید ۱۰۴
- تبلیغ عالمانه شاعر اهل بیت (علیهم السلام) ۱۰۴
- خفقان شدید روزگار امام سجاده (علیه السلام) ۱۰۵
- کمیت و اشعار کوبنده اش در نفی معبودهای باطل ۱۰۶
- هزینه توحیدی آسیه ۱۰۶
- دنیا جای خوشی برای موحدین نیست ۱۰۷
- توحید و دفع معبودهای باطل، جرم حضرت زهرا (علیها السلام) ۱۰۷
- بنده محبوب خدا در اتصال با اهل بیت (علیهم السلام) ۱۰۸
- خداوند، عاشق عاشقان حسین (علیه السلام) ۱۰۸
- شیعیان از اضافه طینت اهل بیت (علیهم السلام) ۱۰۹
- شیعیان حقیقی، بندگان محبوب خدا ۱۰۹
- وداع سکینه (علیها السلام) با پدر ۱۱۰
- جلسه نهم: حقیقت و ماهیت باطنی محرّمات ۱۱۳**
- خطر دنیا و آخرت در ارتکاب گناه ۱۱۵
- جسارت در ارتکاب گناه ۱۱۵



عشق پروردگار به بندگان



- ۱۱۶.....پشیمانی از گناه، یعنی توبه.....
- ۱۱۶.....ضمانت قرآنی خداوند در بخشش گناه توبه‌کننده.....
- ۱۱۷.....جبران خلأ برخی از گناهان.....
- ۱۱۷.....رحمت واسعۀ خداوند بر بندهٔ خطاکارِ پشیمان.....
- ۱۱۸.....نیت پاک و خیر در توبه.....
- ۱۱۹.....فرجام دنیوی جسوران به گناه.....
- ۱۱۹.....شیطان و جسارت او بر نافرمانی.....
- ۱۲۰.....لغزش آدم علیه السلام و همسرش و ندامت آنها.....
- ۱۲۱.....ادب آدم علیه السلام در محضر پروردگار.....
- ۱۲۱.....نافرمانی ابلیس از خداوند با علم به دوزخ.....
- ۱۲۲.....تاجران گناه در دنیا.....
- ۱۲۳.....کلام آخر.....
- ۱۲۳.....در گذر ای دوست، گناه مرا.....
- ۱۲۳.....گر این حسین من، سر او از چه بر سنن؟.....
- جلسه دهم: عشق بی‌نهایت پروردگار به بندگان محبوبش.....**
- ۱۲۷.....محبوب‌ترین عبد در پیشگاه خداوند.....
- ۱۲۷.....آلودگی مردم، محصول حکومت نفس‌آماره بر آنها.....
- ۱۲۷.....نفس انسان، دعوت‌کنندهٔ به زشتی.....
- ۱۲۸.....درک اندک انسان از آیات و روایات.....
- ۱۲۸.....سیری‌ناپذیری معدۀ هوای نفس.....
- ۱۲۹.....عدۀ کثیر دوزخیان.....
- ۱۲۹.....گنجایش جهنم و بهشت.....
- ۱۳۱.....معدۀ نفس، نشانی از دوزخ آخرت.....
- ۱۳۱.....گرسنگی نفس‌آماره، راهی برای مقابلهٔ با آن.....
- ۱۳۲.....نفس‌آماره، دشمن‌ترین دشمنان.....



فهرست مطالب



- ۱۳۲ کمک پروردگار به محبوب‌ترین بندگانش بر ضد نفس اماره.....
- ۱۳۳ دو نکته مهم در خصوص گناه.....
- ۱۳۳ الف) نکته نخست: تکذیب آیات الهیه، اثر تداوم بر گناه.....
- ۱۳۳ خداوند، تنها خریدار بازار قیامت.....
- ۱۳۴ انفاق «مِمَّا تُحِبُّونَ»، انفاقی پسندیده.....
- ۱۳۵ ب) گناه، چرکین‌کننده قلب آدمی.....
- ۱۳۵ کلام پایانی.....
- ۱۳۵ مرا لطف تو می‌باید، دگر هیچ.....
- ۱۳۶ خود نوحه مادرانه چو زهرا کنم تو را.....
- ۱۳۶ دست‌گذاری سوی یار.....

جلسه اول

محرمان از عشق پروردگار

اثر عشق پروردگار به بندگان

روایتی در هشت قسمت در سال‌های گذشته - این دهه - مورد بحث بود که بزرگان دین از وجود مبارک رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند؛ مخصوصاً یک بخش این روایت را شیخ بهایی توضیح بسیار مهمی داده که از سالکان الی‌الله بوده است. این روایت مقدمه قابل‌دقتی هم به این مضمون دارد: «اذا احب الله تعالی عبدا الهمة ثمان خصال» وقتی خدا عاشق بنده‌ای باشد، هشت خصلت را به او الهام می‌کند.

شعلهٔ محبت عبد به خداوند

الهام امری قلبی است که برایتان توضیح می‌دهم، اما اول مسئلهٔ محبت را بیان کنم که خیلی مهم است؛ آن هم محبت از بالا به پایین که محبت خدا به عبد است. محبت عبد به خدا، محبتی از پایین به بالاست؛ یعنی عبد دربارهٔ خودش فکر می‌کند، به نعمت‌ها فکر می‌کند و به قول امام صادق علیه السلام، شعلهٔ محبت در قلبش نسبت به آن وجود مقدسی روشن می‌شود که این لطف و احسان‌ها را درباره‌اش انجام داده است.

سپاسگزاری در طبیعت انسان

طبیعت انسان این است که از هر کسی کار خوب و خیری می‌بیند، قلباً تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ حالا یا سپاسگزاری می‌کند یا نمی‌کند، ولی بالاخره خوبی که می‌بیند، قلبش از خوبی طرف اثر می‌گیرد و شاد و خوشحال می‌شود، علاقه پیدا می‌کند که خوبی طرف مقابل را تلافی کند و دلش نمی‌خواهد که مفت خودش بداند. کاری که برای طرف مقابلش انجام می‌دهد، اسم آن



در معارف الهیه «شکر» گذاشته شده است. یک لیوان آب در تشنگی به او داده است و او هم در مقابل آن لیوان آب خدمتی انجام می‌دهد و مشکلی را از آب‌دهنده حل می‌کند، عرب این را شکر و سپاس می‌گوید. این طبع کار خیر و احسان است که قلب را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

غیر قابل قیاس بودن محبت مادر به فرزند با محبت فرزند به مادر

بچه مادر را در ماه‌های اول نمی‌شناسد، ولی به خاطر ارتباط شدیدی که با احسان مادر دارد و تمام تغذیه خودش را از طریق مادر می‌بیند، به مادر وابسته است؛ با اینکه نمی‌شناسد این مادرش است و در رحم او بوده، اما با حالات، حرکات، گریه و با دنبال کردن او تلافی می‌کند و با رفتارش سپاسگزاری می‌کند؛ اما بین محبت بالا به پایین تا محبت پایین به بالا خیلی فرق است! محبت مادر به فرزند با محبت فرزند به مادر قابل مقایسه نیست. محبت مادر در اوج فداکاری است، اما فرزند نه! مادرش را دوست دارد، اما در حد مادر در مرز فداکاری برای مادر نیست؛ مگر قرآن و روایات چقدر سفارش اولاد را به مادر کرده‌اند؟ یک درصد؛ اما چقدر سفارش مادر را به اولاد کرده‌اند؟ ۹۹ درصد، چون آن قدر که مادر به اولادش محبت دارد، اولاد به مادر خود محبت ندارد.

بی‌نهایت بودن محبت خدا به بندگان

یک وقت انسان به خدا محبت پیدا می‌کند، چون فکر می‌کند خدا لطف‌هایی به او کرده است که این محبت نهایت دارد، یعنی محدود است؛ اما یک وقت خدا به انسان محبت پیدا می‌کند و این نهایت ندارد؛ چون محبتی که از خدا ظهور می‌کند، از یک وجود بی‌نهایت است و آنچه از وجود بی‌نهایت ظهور می‌کند، بی‌نهایت است.

اهمیت انتخاب راه در جذب محبت پروردگار

محبت به امام حسین علیه السلام، راهی مطمئن در جذب محبت خدا

آنچه خیلی مهم است، این است: ما راهی را انتخاب بکنیم که محبت پروردگار را به طرف خودمان جهت بدهیم و خودمان را در معرض محبت قرار بدهیم. راه‌های مختلفی هم دارد



و خوش به حال کسی که همه راهها را طی بکند؛ البته این روایتی که امروز تبرکاً عرض می‌کنم، کل راه نیست، بلکه جزئی از راه است و شیعه و غیرشیعه هم نقل کرده‌اند: «أحب الله من أحب حسيناً»، کسی که حضرت حسین عليه السلام را دوست دارد، خدا او را دوست دارد. این یک راه جهت دادن محبت پروردگار به خود است؛ اگر آدم این محبت را به طرف خودش جهت بدهد، یک محبت بی‌نهایت است.

پاداش بی‌نهایت برای تمام خوبی‌های محدود انسان

هیچ وقت هم محبت ما نسبت به او، یعنی به پروردگار، محبت بی‌نهایت نمی‌شود، اما پاداش بی‌نهایت می‌شود. این هم قرارداد پروردگار و واقعاً احسان اوست؛ مثلاً تمام عبادات ما از نظر کمیت نهایت و حد دارد؛ عمر ما در دنیا حد دارد و بی‌نهایت نیست که به تناسب این حد داشتن عمر ما، همه خوبی‌های ما حد دارد، اما پاداش همه خوبی‌های حددار ما بی‌حد است. تمام آیاتی که پاداش‌ها را بیان می‌کند، این گونه است: ﴿جَنَّاتُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا﴾^۱ پاداش بی‌نهایت است، ولی عمل نهایت دارد که این لطف خدا و احسان خداست.

دوری از منفوران در گاه الهی، شرط ورود به حوزه محبت خداوند

آنچه از ناحیه او طلوع می‌کند، بی‌نهایت است و آنچه از ناحیه ما برای او انجام می‌گیرد، نهایت دارد. این مقدمه مطلب بود. مقدمه روایت می‌گوید: «إذا أحب الله عبداً» هرگاه خداوند عاشق بنده‌ای بشود؛ حالا من چه کار کنم تا خدا عاشق من بشود؟ من باید ببینم خداوند متعال از چه کسانی نفرت دارد، آنها را کنار بگذارم. خدا از چه کسانی نفرت دارد؟ من وقتی آنها را کنار گذاشتم، وارد حوزه محبت خدا می‌شوم. چندانکه از آن مواردی که اگر در افراد باشد، مورد نفرت پروردگار می‌شوند، آنها را من از قرآن مجید برایتان بخوانم.

۱. مائده: ۱۱۹.



الف) نفرت خداوند از کبر

یک مورد اخلاقی که در ابتدای سوره بقره است و به شدت مورد نفرت پروردگار است، کبر است. خود صفت کبر مورد نفرت است، در هر انسانی که باشد، مورد نفرت خداست و تا زمانی که این صفت در شخص باشد، این شخص محبوب خدا نمی‌شود. وقتی انسان محبوب خدا نشود، درهای فیوضات مسلماً بسته است. شک نکنید، مسلماً بسته است! کبر در مقابل چه چیزی؟ یک وقت من یک جا نشسته‌ام، یکی وارد می‌شود، حالا من عمداً جلوی پای او تمام‌قد بلند نمی‌شوم، اما جواب سلام می‌دهم و احترام می‌کنم. این مورد نفرت خدا است؟ نه؛ یعنی این حالت درهای فیوضات را می‌بندد؟ نه؛ یک وقت رد می‌شوم، جا دارد که سلام بکنم، اما نمی‌کنم، آن کبری که قرآن می‌گوید، این است؟ نه، کبر هست و بد هم است، اما این قفلی نیست که تمام درهای فیوضات الهیه را به روی من ببندد. یک وقت من با پدرم از خانه بیرون می‌آیم و جلوتر از پدرم راه می‌روم، آن کبری که در سوره بقره می‌فرماید، این است؟ نه، این هم کار زشت و بدی است، اما بدی آن در حدی نیست که من را از چشم رحمت خدا ببندازد.

محرومیت از فیوضات الهی، پیامد کبر در برابر خداوند

این کبری که درهای فیوضات الهیه را به روی من می‌بندد؛ از یک طرف من را از رحمت پروردگار محروم می‌کند، از یک طرف خدا را بر من خشمگین می‌کند، از یک طرف من را از پیشگاه لطف او می‌راند، چه کبری است؟ کبر در برابر اوامر و نواهی اوست. برادران و خواهران! ما در حدی نیستیم، اگر در آن حد بودیم که عیبی نداشت، ولی از نظر خلقت، عقل، فطرت، بدن و روح در آن حد نیستیم که پروردگاران ما را به کاری - حالا یا بدنی یا مالی یا اخلاقی - دعوت کند، ما در برابر وجود مقدس او بایستیم و بگوییم نه، قبول نمی‌کنیم! در آن حد نیستیم که ما را از عملی نهی بکند، باز بایستیم و بگوییم نه، قبول نداریم!

نابودی و هلاکت، سرانجام ایستادگی در برابر فرامین الهی

اینجا امیرالمؤمنین علیه السلام در مقابل کسانی که می‌ایستند (در ایران خودمان می‌گوییم آقا مقابل این برنامه نایست)، این جمله را دارند که در اوایل «نهج‌البلاغه» هم نقل شده است: «من





أبدی صفحته للحق هلك» کسی که در مقابل حق بایستد و به عبارت ساده‌تر، بگوید یکی من و یکی تو؛ به عبارت دیگر، به پروردگار بگوید تو را نرسیده که به من امر و نهی بکنی؛ مثلاً زن به پروردگار بگوید به تو چه ربطی دارد که به من بگویی حجاب بر تو واجب است؟ من از آنهایی نیستم که به این امر تو گوش بدهم، از آنهایی نیستم که من را از بی‌حجابی نهی بکنی و گوش بدهم! یا من مرد، از آنهایی نیستم که مرا از ربا نهی بکنی و من راحت بگویم چشم، به نهی تو گوش می‌دهم! یا از آنهایی نیستم که مرا به نماز امر بکنی، من هم سریع صبح بلند شوم و نماز بخوانم! این کبر است، یعنی ایستادن در برابر امر و نهی خدا. این کلام امیرالمؤمنین علیه السلام است: «من ابدی صفحته للحق هلك» یعنی با همه قد و قامت و با همه وجود نابود است؛ چون من در قد و قواره‌ای نیستم که در برابر پروردگار بایستم و بگویم یکی من، یکی تو؛ تو چه کاره هستی که در حق من امر و نهی می‌کنی؟ من نه به امر تو گوش می‌دهم، نه به نهی تو؛ نه به امر تو ارزش قائل هستم، نه به نهی تو.

حقیقت معنایی کبر

کبر یعنی قرآنت را مقابل من باز نکن و ببند که من هیچ چیزی را گوش نمی‌دهم؛ کبر یعنی روی ۱۲۴ هزار پیغمبرت را از من برگردان؛ کبر یعنی روی دوازده امام را از من برگردان و زبانشان را نسبت به من ساکت کن. «وَأَذْفُلْنَا الْمَلَائِكَةَ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا»^۱ چرا؟ «فَسَجَدُوا»؟ چون تواضع و کوچکی در مقابل حق داشتند و خودشان را در آن حدی ندیدند که در مقابل پروردگار بایستند. «إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ» همه سجده کردند، مگر ابلیس که سرپیچی و استکبار کرد؛ یعنی با تمام قد در مقابل پروردگار ایستاد و به پروردگار گفت تو را نرسیده به من حکم کنی که به آدم سجده کنم! این معنی استکبار است. من نمی‌دانم این شعر درست یا غلط است، ولی فکر می‌کنم که شعر می‌خواهد پلیدی و آلودگی کبر را بگوید.

شیطان هزار مرتبه بهتر ز بی‌نماز او سجده بر آدم و این بر خدا نکرد

۱. بقره: ۳۴.

